صراط

دشمنی با دین با پرچم «عقلانیت» و «اعتدال»

من و شما که مسئول در این نظام هستیم، مظهر واقعی و حقیقی صبر ما، صبر بر اصول و مبانی و پایه‌هاست. باید از میدان در نروید. اینجور نباشد که اگر چنانچه درباره قصاص اسلامی، درباره اقتصاد اسلامی، درباره شکل حکومت اسلامی، درباره قانون اساسی شما، هو و جنجال و هیاهو در دنیا راه انداختند - که امکانِ این کار را هم دارند که هیاهو راه بیندازند - شما جا بزنید؛ نه، بر مبانی خودتان پافشاری کنید. مبانی شما، عبودیت خداست، خدمت به بندگان خداست، دشمنی با دشمنان خداست، دشمنی با دشمنان بندگان خداست؛ اینهاست شعارهای ما. نظام جمهوری اسلامی نظامی است بر این پایه‌ها؛ نظامی است عقلانی، نظامی است دانشی. عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام از بالا تا پایین حاکم باشد اما عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛ عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هر چه موفق‌تر شدن در رسیدن به این آرمان‌هاست. بعضی‌ها با نام عقلانیت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و دردسر بین‌المللی، می‌خواهند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمی‌شود؛ این نمی‌شود. این نشانه بی‌صبری و نشانه خسته شدن است.

بیانات رهبر معظم انقلاب
در دیدار با سران سه قوه ۷۸/۶/۱۹

عقلانیت‌زدایی از دین، پروژه دشمنان انقلاب

عقلانیت انقلابی در نگرش رهبران انقلاب اسلامی و منابع دینی

تحلیل

عبدالله بیننده*

هفته گذشته در صفحه اندیشه به بررسی و مفهوم‌شناسی عقلانیت انقلابی و وجوه تمایز آن با انواع دیگر عقلانیت اعم از عقلانیت ابزاری، عقلانیت شهودی، عقل فلسفی و... پرداختیم. با توجه به توصیفی که از عقلانیت انقلابی و ویژگی‌های آن و همچنین اشتراکات و افتراقات آن با انواع عقلانیتی که ذکر نمودیم، توجه به این نوع عقلانیت و ویژگی‌های آن در اندیشه رهبران انقلاب به عنوان ترسیم‌کنندگان خطوط اصلی این نوع عقلانیت ضروری می‌نماید و از همین رو ما در اینجا به اجمال به برخی از وجوه این نوع عقلانیت در نگرش امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای اشاره خواهیم نمود. در ادامه نیز عقلانیت انقلابی را از منظر منابع دینی مورد بررسی قرار خواهیم داد. فقط نکته لازم به ذکر اینکه آنچه در اینجا از کلام ایشان یا منابع دین، استنباط می‌شود تفسیر نگارنده است و فی‌المثل ممکن است ایشان لزوماً سخنی به صورت مستقیم در باب عقلانیت انقلابی نگفته باشند.

به نظر امام خمینی گستره عقلانیت جدید، فقط در حوزه مادیات است و برای دستیابی به دو سطح دیگر عقلانیت، باید به حوزه معنویات و فرامادیات روی آورد. این نوع عقلانیت، «عقلانیت دینی» نامیده می‌شود. امام ضمن پذیرش عقلانیت جدید، علم، عالم و عقل را در قالب دانشمندان، متخصصین، مخترعین، کارشناسان دانشگاه و مدرسه می‌ستایند و مجریان را بر به کارگیری آنها در ساماندهی حیات اجتماعی-اقتصادی، توصیه و ترغیب می‌نمایند؛ از این رو، با تأکید بر متعهد بودن حاملان عقلانیت جدید به اسلام، مصالح ملی و عدم وابستگی و خودباختگی، این عقلانیت را در کنار سطوح دیگر عقلانیت، که به معنویت، خداگرایی و آخرت‌گرایی مرتبط است، قرار می‌دهند؛ و همواره از مسئولان دانشگاه و مدارس می‌خواهند که به پرورش، تربیت، معنویت و تعهد دینی دانش‌آموزان و دانشجویان و... توجه ویژه داشته باشند. ایشان با این فرض که محتوای آموزشی مراکز علمی و آموزشی براساس عقلانیت جدید است، بر کسب سطوح دیگر عقلانیت در کنار عقلانیت علل‌گرایانه، فرا می‌خوانند. بدینسان «عقلانیت علل‌گرایانه» را با «عقلانیت معطوف به معنا»، ترکیب می‌کند و آنها را در خدمت رشد و تعالی جامعه انسانی در بعد مادی و معنوی قرار می‌دهد (عیوضی وسیرکی، ۱۳۹۰، ص۷۷-۷۶)

حضرت امام در عین پذیرش اجمالی عقلانیت ابزاری مدرن، حوزه محدودی از حیث اثربخشی را برای آن قائل هستند. از این‌رو عقلانیت جدید در نظر ایشان برخلاف آنچه در تمدن مدرن رایج است، حوزه‌ای وسیع و بی‌حد و مرز نیست؛ چراکه در غرب، اخلاق، دیانت، سیاست و اقتصاد در ذیل عقلانیت انسان‌بنیاد تعریف می‌شوند و معنا می‌یابند و حد و مرز بهره‌گیری از عقلانیت را، تدبیر امور عمومی مانند صنعت، حل مشکلات روزمره مانند نظام اداری، به کارگیری تکنیک و... می‌دانند (حسنی ۱۳۷۸؛ ص۱۳۵). علاوه بر این، عقلانیت ابزاری نه تنها هویت مستقل ندارد، بلکه سفارشات بهره‌گیری از عقلانیت نیز برآمده از وحی است.

مهم‌ترین نقد حضرت امام بر عقلانیت مدرن، نُقصان معنویت در این نوع از عقلانیت است. امام معتقد است که ملاک برتری عقلانیت اسلامی بر عقلانیت غربی حتی در سطح عقلانیت ابزاری نیز توجه به ابعاد فرامادی و معنوی انسان است و این زاویه نگاه، برگرفته از مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ایشان است. ایشان اعتقاد دارند مکتب نجات بخش اسلام که کفیل سعادت همه‌جانبه بشر و هادی سُبُل خیر در دنیا و آخرت و حافظ استقلال و آزادی ملت‌ها و مربی نفوس و مکمل نقیصه‌های نفسانی و روحانی و راهنمای زندگی انسانی است، مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳، ص۲۰۷).

در نهایت در باب نظر و دیدگاه حضرت امام در میزان توجه به عقلانیت ابزاری می‌توان این گفته ایشان را مطرح کرد که:

ما با همه علوم و با همه ترقیات موافقیم، الاّ آنهایی که با اسم ترقی آوردند اینجا، به اسم آزادی آوردند اینجا، برای تباه کردن ما، ما آنش را مخالف هستیم...(امام خمینی ۱۳۸۵ج ۱۰، ص ۴۶).

با این بیان، امام خمینی به عنوان یک فیلسوف، عارف و فقیه اسلامی در پی عقلانی کردن سیاست و حکومت در سه سطح عقلانیت سیاسی معرفتی، اخلاقی و ابزاری است تا انسان با توجه به مبدأ و معاد و تأمل در وسایل نیل به مقاصد و نحوه ورود و خروج در اعمال سیاسی و اجتماعی و نحوه به کارگیری ابزار، به سعادت برسد. پس در حقیقت، عقلانیت مطرح شده در نظر حضرت امام، عقلانیت سعادت است که انسان را به سوی غایت قصوای الهی و سعادت دنیوی و اخروی سوق می‌دهد، نه به تقابل با خدای خالق ملک و موت. (معینی‌پور)

نکته مهمی که در بازسازی نظریه انقلاب در اندیشه امام خمینی مشهود است تفکیک بین دو انقلاب مادی و معنوی است که هر یک دارای ویژگی‌های مختص خویش است. هر چند به فرمایش ایشان «قوه مقاومت در برابر ستم و بی‌عدالتی دولت، جزو طبیعت ساختمان بشر است، لکن هدف از شوریدن و مقاومت کردن وجه تمایز این دو انقلاب است.» از دیدگاه امام خمینی «همه انقلابات به جز انقلاب اسلامی، به دنبال اهداف مادی بوده و در حصار از میان رفتن یک حکومت و روی کار آمدن حکومتی دیگر محدود شده‌اند. این انقلاب با انقلاب سایر کشورها و انقلاب‌هایی که در دنیا اتفاق افتاده است فرق دارد. انقلاب‌هایی که در دنیا تاکنون اتفاق افتاده است قدرت را از دست یک قدرتمند، یک جابر، به دست جابر دیگری که یا مثلاً این یا بالاتر از این است منتقل کردند. شما مطالعه کنید در حال انقلاب‌هایی که در دنیا پیدا شده است یا کودتاهایی که هر روز واقع می‌شود و شده است، ببینید که آن وضع آن جا چطور است. جز این است که با اغفال مردم یک انقلاب پیدا شده است و یک قدرتی را به کنار گذاشته‌اند یک قدرت مشابه او یا بدتر از او سر کار آورده‌اند؟ هیچ در حال ملت‌ها فرق حاصل نشده است یا حال ملت‌ها بدتر شده است.» (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۶۹)

> **عقلانیت انقلابی در نگرش رهبر انقلاب، عقلانیتی سیاسی است که بر آمده از نگرش دینی ایشان از یک سو و تجربه سیاسی ایشان در مقاطع مختلف است و عقلانیت انقلابی در نگرش ایشان پیوندی ناگسستنی با معنویت (به عنوان مقوله‌ای اخلاقی و ناظر به آخرت) و عدالت(به عنوان امری اجتماعی که ناظر به مناسبات اجتماعی در معنای عام) دارد**

برخی گمان می‌کردند و البته هنوز هم می‌گویند که روشنفکری در یک دوره‌ای، خرافه‌زدایی از دین را به عنوان هدف اعلام می‌کرد، اما در یک دوره دیگری که ما اکنون با آن درگیر و گرفتار هستیم، در واقع روشنفکری می‌خواهد از دین، عقلانیت‌زدایی کند، یعنی بگوید که دین اصلاً یک پدیده عقلانی و عقلایی نیست و نباید له و علیه آن استدلال کرد؛ به عبارت دیگر آمدن دین همان و رفتن عقل، همان. امام نشان داد که چگونه دین برای برانگیختن عقل بشر، عقل‌ها را تحریک کرده، سازمان داده و فعال می‌کند؛ همچنین جمع عاقل بودنِ و متشرع بودن و اینکه چگونه شریعت و عقلانیت کاملا با هم منسجم و در یک راستا هستند، از معادلات بزرگی بود که امام آن را در انقلاب حل کرد و البته پیام جدیدی هم بود و اصلاً عقلانیت در تعریفی که اسلام و تشیع دارد، مقوله‌ای جدا از شریعت و دیانت نیست. (رحیم پور ازغدی)

بنابراین امام ضمن اینکه بر آنند که برای پیشرفت کشور باید از عقلانیت ابزاری بهره گرفت، لیکن عقلانیت اسلامی که معنویت را لازمه حیات انسانی می‌داند مکمل و لازمه عقلانیت انقلابی می‌دانند و از سوی دیگر غایت عمل عقلانی را نیل به سعادت می‌داند که همین نیل به سعادت هدف غایی عقلانیت انقلابی نیز می‌باشد. عدالت و ظلم‌ستیزی و حمایت از محرومان و مستضعفان و به تعبیر ایشان «پابرهنگان» نیز از وجوه مهم عقلانیت انقلابی ایشان بوده است. در نگرش ایشان با آمدن عقل شرع تعطیل نمی‌شود بلکه عقلانیت و شریعت مکمل یکدیگر در عرصه حیات انسانی هستند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم به عنوان یکی از نیروهای فعال در ایام انقلاب و به عنوان رهبر انقلاب پس از رحلت امام (ره) همواره بر وجوه مختلف عقلانیت تأکید داشته‌اند. ایشان عقلانیت را نه تنها به عنوان یکی از پایه‌های استنباط احکام فقهی خود قرار می‌دهند، بلکه حتی آن را به عنوان یکی از ارکان پیشرفت می‌دانند و بر آن است که پیشرفت زمانی حاصل می‌شود که عناصر مختلف و از جمله سه عنصر مهم عقلانیت، معنویت و عدالت به صورت همزمان در مناسبات سیاسی-اجتماعی جاری شوند و با غیبت هر کدام از این عناصر به عنوان پایه‌های فکری و نرم‌افزاری پیشرفت، پیشرفت مد نظر ایشان اتفاق نمی‌افتد. ایشان ترکیب این عناصر را به عنوان یکی از پایه‌های اصلی نگرش امام خمینی نیز می‌دانند و در این زمینه معتقدند:

«تکیه بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشاند، به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه وجود متوجه به بُعد عدالت بود.» (خامنه ای، ۱۳۹۰) ایشان در ادامه انتخاب نظام مردمسالاری دینی به عنوان نظام سیاسی پس از انقلاب از سوی امام را یکی از وجوه مهم عقلانیت امام می‌دانند و در ادامه می‌افزایند: «یک نمونه دیگر از عقلانیت امام و تکیه او به خرد و هوشمندی، عبارت است از سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله با دشمن مهاجم. امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت، در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال می‌کنند عقل اقتضاء می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه مقابل این تصور حرکت کرد.» (همان) از طرف دیگر ایشان، تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکایی در ملت، تدوین قانون اساسی و.... را نیز از وجوه مهم عقلانیت امام می‌داند. بنابراین ایشان در عین حال که به وجوه مهم عقلانیت توجه دارند و برخی از نظرات امام که در واقع نظرات خود ایشان نیز می‌باشد را برمی‌شمارد عقلانیت را به تنهایی برای نظام‌سازی و نیل به پیشرفت کافی نمی‌دانند بلکه قرار گرفتن دو مؤلفه معنویت و عدالت را دو عنصر مقوم آن می‌دانند.

بر این اساس می‌توان گفت عقلانیت انقلابی در نگرش رهبر انقلاب، عقلانیتی سیاسی است که بر آمده از نگرش دینی ایشان از یک سو و تجربه سیاسی ایشان در مقاطع مختلف است و عقلانیت انقلابی در نگرش ایشان پیوندی ناگسستنی با معنویت (به عنوان مقوله‌ای اخلاقی و ناظر به آخرت) و عدالت(به عنوان امری اجتماعی که ناظر به مناسبات اجتماعی در معنای عام) دارد. ایشان در تشریح ویژگی‌های اسلام ناب بر آنند:

«در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه با هم ملاحظه می‌شوند، معنویت و عدالت با هم ملاحظه می‌شوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند؛ اینها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود. عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت- که آن هم خارج از شریعت البته نیست- در جای خود. همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳) بنابراین عقلانیت در نگرش ایشان عقلانیتی بر آمده از شریعت است لیکن وجه غالب در نگرش ایشان به شریعت ابعاد سیاسی-اجتماعی شریعت است و همین نکته است که راه را می‌گشاید تا از عقلانیت انقلابی سخن بگوییم که در عین اینکه عقلانیت است و محاسبات خود را در عرصه سیاست داخلی و خارجی و... برای نیل به نتیجه انجام می‌دهد لیکن از یک سو نسبت خود با شریعت را همواره برقرار می‌سازد و از سوی دیگر پیوندی مستحکم با عدالت، معنویت، پیشرفت و... می‌یابد.

> **حضرت امام در عین پذیرش اجمالی عقلانیت ابزاری مدرن، حوزه محدودی از حیث اثربخشی را برای آن قائل هستند. از این‌رو عقلانیت جدید در نظر ایشان برخلاف آنچه در تمدن مدرن رایج است، حوزه‌ای وسیع و بی‌حد و مرز نیست؛ چراکه در غرب، اخلاق، دیانت، سیاست و اقتصاد در ذیل عقلانیت انسان‌بنیاد تعریف می‌شوند و معنا می‌یابند و حد و مرز بهره‌گیری از عقلانیت را، تدبیر امور عمومی مانند صنعت، حل مشکلات روزمره مانند نظام اداری، به کارگیری تکنیک و... می‌دانند**

عقلانیت انقلابی در منابع دینی

از آنجا که عقلانیت انقلابی در فضای «گفتمانی» انقلاب اسلامی ظهور یافته است و انقلاب اسلامی نیز بیش و پیش از هر چیز در خط‌مشی‌ها و اصول کلی از منابع دینی برای توجیه خود بهره می‌گیرد، در اینجا به اجمال به برخی از آیات و روایاتی که پشتوانه عقلانیت انقلابی می‌توانند قرار بگیرند اشاره می‌شود. البته این نکته را فراموش نمی‌کنیم که مفهوم عقلانیت انقلابی به صورت صریح در هیچ کجای این منابع نیامده است لیکن با توجه به ویژگی‌هایی که برای این نوع عقلانیت برشمردیم، به مناسبت آنها به این آیات و روایات استناد می‌شود.

عقل، مشتقات و مرادفات آن در قرآن بالغ بر ۵۰ مرتبه به کار رفته و بیش از ۳۰۰ آیه انسان را به تفکر، تدبر و تعقل دعوت کرده است ولی هیچ کدام از آیات در مقام بیان ماهیت و حقیقت این گوهر الهی نیست. همین قدر از سیاق آیات می‌فهمیم که خداوند در سرشت آدمی توانی را نهاده که اگر به کار افتد، توانایی تشخیص خوب از بد و خطا از صواب را دارد و هر انسانی بالضروره از راه علم حضوری به این حقیقت آگاه است و خداوند چنین خواسته که این حقیقت به آیات او پیوند و پیوست داشته باشد تا حقیقت اصلی که خالق هستی است، شناخته و پرستیده گردد و در این راه ارزش‌های ثابت و پایدار احیا و الگو قرار گیرد:

«العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان»: عقل چیزی است که با آن خدا پرستش می‌شود و بهشت با آن به دست می‌آید.

قرآن کریم ضمن آنکه عقل را مقوله‌ای می‌داند که انسان را به سمت آخرت توجه می‌دهد، از مسلمانان می‌خواهد تا نه ظلم کنند و نه ظلم پذیرند. «لا تَظلِمون و لا تُظلمون» و همچنین بر مبنای قاعده نفیِ سبیل به انسداد باب سلطه کفار بر مسلمانان تأکید دارد «لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا» (۱۴۱ نساء) و بر مبنای این آیه نه تنها مؤمنین نباید ظلم کنند بلکه در هیچ زمان و مکانی نیز نباید زمینه تسلط بر آنان فراهم شود. در کنار ظلم‌ستیزی و سلطه‌گریزی در قرآن، خداوند عدالت‌خواهی و استقرار و گسترش عدالت را نیز از وجوه مهم دین رسالت انبیا بر می‌شمارد و می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناسُ بالقسط...» (۲۵ حدید) بنابراین با استناد به قرآن کریم و دیگر منابع دینی عقلانیت انقلابی نه ظالم است و نه ظلم‌پذیر و از سوی دیگر بسط عدالت در سطح ملی و بین‌المللی را از جمله اهداف راهبردی خود می‌داند.

امام علی (ع) عقل را در مقابل شهوت قرار داده و انسان را موجودی مرکب از عقل و شهوت شناسانده‌اند. ایشان، به این تقابل به گونه‌های دیگری نیز اشاره فرموده‌اند. از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «هر گاه عقل کامل شود، شهوت ناقص می‌گردد» و همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «هر که عقلش کامل شود، شهوت‌ها را سبک می‌شمارد.» (برنجکار)

شهوت از دیدگاه امام علی(ع) در مقابل عقل، امری مذموم و تابع آن از چارپایان پست‌تر است و رستگاری انسان در پیروی او از اهدافی است که عقل تعیین می‌کند و شقاوت او در پیروی از شهوت و هوای نفس است. در روایتی از آن حضرت نقل شده است که فرمودند: «از عقل راهنمایی بگیر و با هوای نفس مخالفت کن تا پیروز و رستگار شوی» و نیز فرموده‌اند: «عاقل، دشمن لذت‌های خویش است و جاهل، بنده شهوات خویش» از این رو عقل در نگاه دینی در برابر شهوت قرار می‌گیرد و شهوت‌پرستی‌هایی که امروز به عنوان وجوه عقلانیت ابزاری در نگرش دینی و متأثر از آن عقلانیت انقلابی نه تنها عقلانیت نیست بلکه زائل کننده عقلانیت است، چراکه نتیجه این عقلانیت غرق شدن در شهوات زودگذر و غفلت از معنویات و بی‌توجه به آخرت است. بنابراین عقلانیت انقلابی عقلانیتی شهوت‌گریز و معنویت‌پذیر است.

همانگونه که بیان شد یکی از وجوه عقلانیت انقلابی مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌باشد و این اصل نیز بر آمده از نگرش دینی است چنانکه امام علی(ع) می‌فرمایند: «میوه عقل، مدارا کردن با مردم است» (الآمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ح ۴۶۲۹). بنابراین همزیستی مسالمت‌آمیز یکی از ثمرات عقلانیت است. چنانکه از برخی آیات قرآن نیز می‌توان اصل همزیستی مسالمت‌آمیز را استنباط کرد بالاخص در آیاتی از قبیل: ۲۰۸ بقره، ۹ حجرات و ۶۴ آل عمران.

همانگونه که بیان شد پیوند دیانت و سیاست را از ویژگی‌های عقلانیت انقلابی دانسته‌ایم و این پیوند را نیز می‌توان هم به لحاظ کلامی در باب اثبات حق حکومت برای پیامبر(ص) و تشکیل حکومت توسط ایشان به عنوان یک عمل سیاسی و هم در باب ائمه اثبات کرد. چنانکه خداوند اطاعت از خدا و رسول و اولوالامر را از مؤمنان می‌خواهد و این تبعیت در عرصه سیاست نیز لازم است. به لحاظ طولی نیز این حق حکومت از جانب خدا و پیامبر(ص) به نایبان عام داده شده است که ادله آن در کتاب‌های مربوط به ولایت فقیه به ویژه کتاب ولایت فقیه امام خمینی(ره) مضبوط است و از جمله روایاتی که چنین نیابتی را قائل شده‌اند می‌توان به مقبوله عمربن حنظله، صحیحه ابی خدیجه، نامه امام زمان در باب حوادث زمانه و... اشاره کرد. از این رو پیوند دیانت و سیاست از وجوه بنیادین اندیشه کلامی و فقهی شیعه به شمار می‌رود که هم ادله عقلی و هم ادله نقلی برای آن اقامه شده است و با تکیه بر این بنیاد دینی، عقلانیت انقلابی نیز به حکومت عرفی(سکولار) به عنوان آرمان خویش نمی‌نگرد بلکه حکومت معصوم و در زمان غیبت معصوم نیز حکومت نایبان معصوم را به عنوان آرمان خویش در نظر دارد و گسست سیاست از دیانت را به هیچ وجه بر نمی‌تابد چنانکه برخی از صاحبان بالاترین مناصب در جمهوری اسلامی به سمت پاره کردن این پیوند تلاش کرده و می‌کنند و می‌خواهند حکومت سکولار را جایگزین حکومت دینی کنند.

عقلانیت انقلابی ضمن توجه به معنویت و آخرت مردم، بر مبنای بنیادهای دینی خوی دنیای مردم را نیز فراموش نکرده است و از جمله وجوه خویش را توجه به معیشت مردم می‌داند و بنیاد استدلالی خویش را نیز بر عقاید دینی می‌نهد چنانکه می‌توان به احادیث زیر از امام علی(ع) اشاره کرد: «برترین مردم در عقل، بهترین آنهاست در تقدیر و برنامه‌ریزی معاش خود» و «بهترین دلیل بر زیادتی عقل، حسن تدبیر است» و همچنین «عقل، تو را به سودمندتر فرمان می‌دهد» ضمناً تأکید دارد: «اگر عقل سالم باشد، انسان از فرصت‌هایش بهره‌مند می‌گردد»... بنابراین عقلانیت انقلابی متاثر از عقلانیت دینی بی‌توجه به مناسبات و مقتضیات زندگی دینی نیست. چنانکه امام علی(ع) در تعبیری بسیار زیبا چگونگی جمع شدن معیشت اندیشی و آخرت اندیشی را بیان داشته‌اند: «برترین مردم در عقل، کسانی هستند که بهتر از دیگران در معاش خود تقدیر و برنامه‌ریزی می‌کنند و بیش از دیگران به اصلاح معاد و آخرتشان اهتمام می‌ورزند.» (همان)

عقلانیت انقلابی پایبندی به قراردادهای بین‌المللی میان خود و سایر دولت‌ها را نیز بر مبنای اصل دینی «اوفو بالعقود» توجیه می‌سازد. یعنی عقلانیت انقلابی هم در مناسبات خود با دیگران محاسبه هزینه-فایده می‌کند و هم بر مبنای بنیادهای دینی خود به قراردادهای فی مابین ملتزم خواهد بود.

نتیجه‌گیری

می‌توان گفت عقلانیت انقلابی، عقلانیتی شکل گرفته در بستر انقلاب اسلامی و فضای گفتمانی آن است که خود یک «نظام دانایی» جدید را در ایران به وجود آورده و البته تأثیرات گسترده بین‌المللی را نیز در پی داشته است و با توجه با گستره و عمقِ این نوع عقلانیت، جریان‌های مختلف سیاسی-اندیشه‌ای که در ایران فعالیت می‌کنند به نحو سلب یا ایجاب و از درِ موافقت و مخالفت باید نسبت خویش را با این ویژگی‌ها روشن کنند. تفسیر دولت‌های مختلف در طول عمر جمهوری اسلامی و تلاش برای مصادره به مطلوب کردن آنها نشانگر اهمیت این ویژگی‌هاست.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی

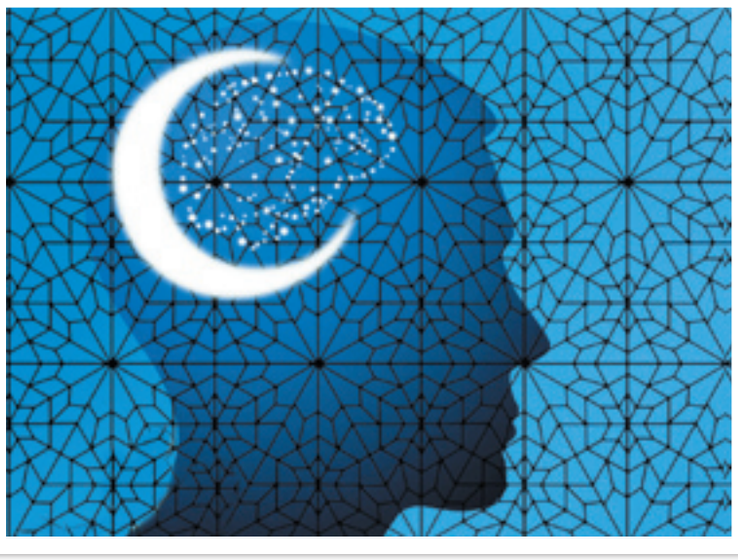

منابع:
- قرآن کریم
- الجابری، عابد؛ نقل عقل عربی، ترجمه سیدمحمد آل‌مهدی، انتشارات نسل آفتاب، ۱۳۸۹
- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰ و ۱۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)۱۳۸۵
- برنجکار، رضا؛ عقل و تعقل از دیدگاه امام علی(ع)، مجله قبسات، شماره ۱۹
- پارسانیا، حمید؛ روش شناسی حکمت صدرایی، انتشارات کتاب فردا، ۱۳۹۰
- حسنی، محمد؛ نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج۱۳۷۸
- خامنه ای، آیت‌الله سید علی؛ بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۸۳/۵/۲۵
بیانات در بیست‌ودومین سالگرد امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰/۳/۱۴
- خسروپناه، عبدالحسین؛ کلام جدید، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۷۹
- فیروز جایی، رمضان؛ عقلانیت از نظر علامه طباطبایی، فصلنامه ذهن، شماره ۱۷
- رحیم پورازغدی، حسن؛ سخنرانی با عنوان اندیشه الهی امام خمینی(ره) در برابر اندیشه ایدئولوژی ستیز دوران معاصر
- عیوضی، محمدرحیم و کشیشان سیرکی، گارینه؛ تبیین مسئله عقلانیت ابزاری، ارتباطی و دینی از نگاه امام خمینی و یورگن هابرماس، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال هفتم، ش۲۵، تابستان ۱۳۹۰
- فنایی اشکوری، محمد؛ عقلانیت و مقتضیات ۱۳۸۸، www.fanaei.ir
- مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، تصحیح نیکلسون، انتشارات نگاه آشنا، ۱۳۹۱
- مسعود معینی‌پور؛ مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی از دیدگاه امام خمینی، منبع: فصلنامه علمی- پژوهشی متین، شماره ۴۹
- هولاب، رابرت؛ یورگن هابرماس نقد در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۹۱